

اطلاعیه پایانی کنگره ۱۷ کومه له



هفدهمین کنگره کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران)، در هفته آخر تیر ماه سال ۱۳۹۶ (نیمه دوم ژوئیه سال ۲۰۱۷) طی چهار روز جلسات فشرده و برگزاری یک جلسه اختتامیه به کار خود پایان داد.

جلسات کنگره در دو سالن در خارج کشور و در محل مقر مرکزی کومه له که از طریق شبکه اینترنت به هم وصل بودند، با شرکت نمایندگان بخش های مختلف تشکیلات در کردستان و تشکیلات خارج حزب برگزار گردید.

کنگره با سرود انترناسیونال، سرود همبستگی جهانی کارگران و یک دقیقه سکوت به نشانه گرامیداشت یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم و با یاد و خاطره رفقای که در فاصله دو کنگره جانباخته بودند، از جمله رفقا: رحمان نجات، فرخ امجدیان، عبدالله بیگ زاده، محمد غلام زاده، عطا خیاط، و چهار رفیق دیگر از فعالین داخل کشور، نشست خود را آغاز کرد. نخستین جلسه کنگره بوسیله یک هیات رئیسه موقت اداره می شد که تا انتخاب هیات رئیسه دائم، اداره کنگره را بر عهده داشت.

ابتدا گزارشی از چگونگی برگزاری انتخابات نمایندگان در حوزه های مختلف انتخاباتی از جانب ناظر کل انتخابات ارائه گردید و به سئوالات مطرح شده در این زمینه، پاسخ داده شد. کنگره با تصویب اعتبارنامه نمایندگان و اعلام حضور اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان منتخب، رسمیت خود را اعلام کرد. سپس با تصویب آیین نامه داخلی، دستور جلسات و انتخاب هیات رئیسه دائم کار خود را ادامه داد.

دستور جلسات کنگره عبارت بودند از: گزارش سیاسی کمیته مرکزی کومه له به کنگره، گزارش عملکرد ارگان های مختلف کومه له در فاصله دو کنگره، بررسی قرارها و قطعنامه های پیشنهادی و انتخاب کمیته مرکزی.

گزارش سیاسی کمیته مرکزی شامل عناوین متعددی از جمله: بحران اقتصادی جهان سرمایه داری و عوارض سیاسی متعاقب آن، اوضاع سیاسی خاورمیانه و مسائل حل نشده مردم این منطقه، مسئله فلسطین، مسئله کرد و اوضاع جاری در کشورهای عراق، سوریه و ترکیه بود. در همین زمینه گزارش کمیته

وظایف ما و شرایط کنونی



تلاش برای دخالتگری کمونیستی، پیشاهنگی، و پاسخگویی به مسئولیت طبقاتی و انقلابی خویش یا نظاره گری، دنباله روی و تن سپاری به شرایط موجود، گزینه های پیشاروی ماست.

جمهوری اسلامی و مشکلات آن



طرح کارورزی، تدارک حمله ضد انسانی دیگر به طبقه کارگر

چهره های ماندگار: علی اکبر دهخدا



اطلاعیه کمیته مرکزی

حزب کمونیست ایران

در مورد جانباختن رفیق رحمان نجات



مرکزی به بررسی مسئله کرد به عنوان یک مسئله منطقه ای در کشورهای ایران، عراق، ترکیه و سوریه پرداخت و مبنای سیاست و استراتژی کومه له در قبال آن را روشن نمود.

سپس کنگره در چهارچوب گزارش کمیته مرکزی به بحث پیرامون اوضاع سیاسی ایران پرداخت. بررسی موقعیت طبقه کارگر، از لحاظ آمار و ارقام مربوط به نقش این طبقه در تولید اجتماعی، از لحاظ سطح و دامنه مبارزات آن، از لحاظ موانع موجود بر سر راه تشکیل یابی طبقه کارگر، نقطه عزیمت ارزیابی کنگره از اوضاع سیاسی ایران بود. سپس کنگره به بررسی موقعیت بورژوازی ایران به مثابه یک طبقه، رژیم جمهوری اسلامی به مثابه دولت سرمایه داری ایران، ریشه های اقتصادی و سیاسی اختلافات و کشمکش جناح های درونی رژیم، دوراهی سرمایه داری بازار آزاد و سرمایه داری دولتی - میلیتاریستی، تداوم بحران سیاسی رژیم در رابطه با قدرت های غربی، مداخلات و رقابت های منطقه ای جمهوری اسلامی و سرانجام ضرورت سرنگونی انقلابی رژیم پرداخت. اپوزیسیون جمهوری اسلامی و جریان های سیاسی و استراتژی های متفاوت بخش های مختلف آن مورد بحث قرار گرفت و همچنین بر ضرورت رفع کمبود گزارش سیاسی در مورد جنبش های زنان و جوانان در ایران تاکید شد.

در بحث پیرامون اوضاع در کردستان ایران، زندگی و معیشت مردم، محرومیت ها، ستم و نابرابری، آسیب های اجتماعی دامنگیر مردم، مبارزه و مقاومت در برابر رژیم اسلامی، از جمله عناوین اصلی اوضاع در کردستان ایران بودند. کنگره یک بار دیگر خطوط اصلی استراتژی سوسیالیستی کومه له متکی به مبارزه کارگران و زحمتکشان و مردم محروم را در قبال این اوضاع مورد تاکید قرار داد. گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره با در نظر گرفتن پیشنهادات اصلاحی حاضرین در کنگره، باتفاق آراء به تصویب رسید.

بررسی گزارش عملکرد ارگان های مختلف تشکیلاتی کومه له، یکی دیگر از دستور جلسات کنگره بود. این گزارش که به صورت مکتوب در اختیار نمایندگان کنگره قرار گرفته بود، شامل عملکرد ارگان ها و عرصه های مختلف فعالیت های کومه له در کردستان بود. اعضای شرکت کننده در کنگره با آگاهی بر وجود وحدت سیاسی عمیق و هم نظری حول جهت گیری های اساسی، که در تصویب گزارش سیاسی به اتفاق آراء نشان داده شد، با اعتماد به نفس و روشن بینی، کمبودها و نارسایی ها را مورد بررسی و انتقاد قرار دادند و بر ضرورت ارتقاء کیفی فعالیت های کومه له و تحکیم حزبی در مناسبات تشکیلاتی تأکید نمودند.

کنگره ۱۷ کومه له در بخش دیگری از دستور کار خود چندین قطعنامه از جمله قطعنامه مصوب کنگره پانزدهم در قبال: "همکاری و تنظیم مناسبات با احزاب سیاسی فعال در کردستان"، را مورد تأیید مجدد قرار داد و کمیته مرکزی کومه له را موظف کرد تا این قطعنامه را به روز نموده و همچنان مبنای کار خود قرار دهد. همچنین قطعنامه هایی مربوط به مسئله "بیکاری و کولبری"، مسئله "اعتیاد به مواد مخدر" و مسئله "محیط زیست" را نیز تدوین و تصویب نمود. کنگره همچنین پیام هایی به خانواده های جانباختگان و زندانیانی سیاسی و فعالین جنبش های اجتماعی در بند فرستاد.

آخرین دستور جلسه کنگره انتخابات کمیته مرکزی بود که در این بخش، کنگره از میان رفقایی که خود را برای عضویت در کمیته مرکزی کاندید کرده بودند، ۱۹ نفر را انتخاب نمود. اسامی رفقای منتخب به ترتیب حروف الفبا عبارتند از:

۱_ ابراهیم علیزاده، ۲_ احمد صالحی، ۳_ اسعد رستمی، ۴_ رویا محمودی، ۵_ سیامک شامی، ۶_ سروه ناصری، ۷_ سعید امانی، ۸_ شوکی احمدی، ۹_ شورش کریمی، ۱۰_ شهرام امانتی، ۱۱_ جمال بزرگپور، ۱۲_ حسن رحمان پناه، ۱۳_ فرهاد شعبانی، ۱۴_ فریدون ناظری، ۱۵_ عیسی پایندی، ۱۶_ عادل الیاسی، ۱۷_ محسن شیخی، ۱۸_ محیه ایرجی، ۱۹_ ناصر طاهری.

روز پنجم و در جلسه پایانی کنگره که در آن جمعی از دوستان کومه له و گزارشگران رسانه های گروهی منطقه کردستان حضور داشتند، گزارشی از مباحثات کنگره و مصوبات آن برای اطلاع افکار عمومی ارائه گردید. متون کتبی مصوبات این کنگره بزودی انتشار علنی خواهد یافت.

در پایان باید اضافه کرد که کمیته مرکزی منتخب کنگره ۱۷ اولین پلنوم خود را با شرکت اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران که به عنوان ناظر حضور داشتند، برگزار نمود و سازمان و تقسیم کار درونی کمیته مرکزی کومه له را متناسب با جهت گیری، مصوبات و اولویت های دوره آتی تعیین نمود. در این نشست هم چنین رفیق ابراهیم علیزاده به عنوان دبیر اول کومه له انتخاب گردید.

کمیته مرکزی کومه له

(سازمان کردستان حزب کمونیست ایران)

یازدهم مرداد ماه ۱۳۹۶

دوم اوت ۲۰۱۷



از سایت های حزب
کمونیست ایران
و کومه له
دیدن کنید!

سایت حزب کمونیست ایران
www.cpiran.org

سایت کومه له
www.komalah.org

سایت تلویزیون کومه له
www.tvkomala.com



عباس منصوران

وظایف ما و شرایط کنونی

خوکرده و آرایش داشتند، یکی در پی دیگری با بروز خویش در تند پیچها و مجالها، راه دیگری بر گزیدند. نمونه بارز چنین رویکردی در منشویسم و بلشویسم حزب سوسیالیست کارگران روسیه جلوه گر شد. بازتولید این گرایشها بدون شک در حزب کمونیست ایران نیز، از موقعیتها و بستر زیستی برخوردار بوده‌اند که آسیب شناسی آن در این مجال نمی‌گنجد. به هر روی این گرایشها، از انحلال طلبی تا ادغام در سوسیال فرمیسم و ناسیونالیسم، البته در لوای «سوسیالیسم» تلاش ورزیده‌اند. حزب کمونیست ایران، با پشت سر نهادن این همه آزمون و فراز و نشیب اینک در برابر شرایط تاریخی ویژه‌ای قرار گرفته است. در یک کلام، پیشاهنگی مبارزه طبقاتی، با تمامی آن ویژگی‌های بیشتر اشاره شده، آگاهی طبقاتی، رادیکالیسم، مسئولیت پذیری و سازمانیافتگی بایسته‌ای را در تحکیم حزبیت پرولتری خویش می‌طلبد.

به شرایط به شدت بحرانی جامعه ایران باز می‌گردیم:

- طبقه کارگر ایران، با برخورداری از شمار افزون بر ۲۰ میلیون نفری خود، با به شمار آوردن افراد خانواده نزدیک به ۵۰ میلیونی، در زیر شدیدترین درجه استثمار و فلاکت، با مرگ و نیستی دست به گریبان است.

- در ایران، به سان یک بخش پیرامونی سرمایه متروپل، فاجعه بیکاری، بیش از پیش چون بمبی خوشه‌ای که سراسر جامعه را به متلاشی می‌سازد، باریدن گرفته است.

- وجود ارتش ذخیره‌ای افزون بر ۱۵ میلیونی بیکاران با آمار افزون بر ۹۰ درصدی بیکاری زنان، و بالای ۲۰ درصدی مردان جامعه، و تحمیل قراردادهای سفید امضا به کارگران شاغل.

- وجود افزون بر ۱۵ میلیون حاشیه نشین در گرداب مرگی با اعمال شاقه نشانیده شده.

- وجود میلیون‌ها کودکان کار و زنان کار در خیابان.

- وجود بیش از ۶ میلیون‌ها معتاد به مواد افیونی و شیشه با درگیری دست کم یک نفر از هر خانواده‌ی تمامی ساکنین جامعه به طور مستقیم و غیر مستقیم در این

آفرین پیشاهنگ مبارزه رهایی بخش. با چنین ویژگی‌هایی است که حزب کمونیست ایران، به سان پیوستار گردانی از کمون پاریس، حزب بلشویک و حزب کمونیست ایران از سال ۱۹۲۰ و تا کنون چون مرغ آتش برخاسته از خاکستر خویش، امروزه در برابر چنین آزمون و کارکردی قرار گرفته است. حزب کمونیست ایران از همان نخستین شکل گیری و سازمانیابی نیروهای بنیانگذار و پیشتازان خویش و به نام کومه‌له در آغاز در کردستان، تا تبدیل به حزب کمونیست ایران در کنگره موسس حزب در سال ۱۳۶۱ در تمامی تندپیچها و آزمون‌های مبارزاتی پرولتاریا و تهی دستان شهر و روستا، در برابر قطب سرمایه، سرفرازانه درخشیده است. سازمان کردستان آن- کومه له، با قطب نمای کارگری، در این فراز و نشیب، به سوی ناسیونالیسم در کردستان، نوسان نیافته و پیوسته پرچمدار درفش سرخ سوسیالیسم کارگران بوده است. حزب کمونیست ایران، علیرغم از دست دادن چندین هزار تن از رزمندگان خویش در مبارزه و دیگر آسیب‌های وارده، شرایط خونین در حاکمیت جمهوری اسلامی و کاستیها، و با برخورداری از اعتماد و اعتبار و از خود گذشتگی و جانبازی چندین هزار انسان آزاده، کانون انقلابی طبقه کارگر به شمار می‌آید. حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان حزب، در تمامی این دوران، با رفرمیسم و سوسیال دموکراسی، ناسیونالیسم محلی و مراوده با باندهای حکومتی و اپوزیسیون بورژوازی، مرزبندی طبقاتی داشته است. در روند مبارزه طبقاتی، گرایش و عناصری از این حزب، همانند تمامی حزب‌های دیگر، به سوی راست و رفرمیسم و جدایی از مسیر مبارزه طبقاتی کارگران و یا به مسیرهای دیگری گرائیده و راهی جدا برگزیده‌اند، که این خصلت مبارزه طبقاتی است، زیرا از آن برهه که سوسیالیسم گزینه طبقه کارگر برای سازماندهی جامعه‌ای فارغ از استثمار و حقارت و نابرابری افراد جامعه گردید، اندیشه‌ی سیاسی و فرهنگ و ایدئولوژی بورژوازی و خرده بورژوازی، به درون سازمان‌های کارگری و حزب‌های کمونیست، وارد شدند. به ویژه خرده بورژوازی دمدمی مزاج و در حال نوسان میان دو طبقه، آنانی که به عادت‌ها، سنت‌ها، فرهنگ‌ها و منش‌های مالکیت خصوصی، و جامعه کهن

مروری بر شرایط کنونی در ایران و منطقه کافی است تا ضرورت‌ها، وظایف تاریخ ساز و حیاتی پیشاهنگ مبارزه طبقاتی و رهایی را دریابیم. برای هر باورمند به برابری و اصول انسانی، وجود سازمان آگاه، مسئول، رادیکال، با ساختار ارگانیک سازمان‌یافتگی برای دخالت گری پیشتازانه در مبارزه رهایی بخش، پاسخ به یک ضرورت تاریخی و طبقاتی است. طبقه کارگر از زمانی که به صورت طبقه‌ی اصلی جامعه جلوه گر شد، این نیاز مبرم را دریافت و به صورت جنبش چارتیستی در انگلستان، منشور خویش را ارائه داد. این یک اعلام آغازین و تجربی بود. در انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه گردان انقلابی این طبقه جهانی، نخستین تجربه خویش را برای دگرگونی مناسبات سرمایه‌داری و قدرت سیاسی به نمایش گذاشت. بیش و پیش از همه، برای طبقه کارگر، ضرورت این سازمان سیاسی طبقاتی، چیزی جز پیشتازی حزب کمونیست نمی‌تواند باشد. چنین سازمانی، با برخورداری از آگاهی طبقاتی یعنی تئوری انقلابی است که می‌تواند و باید راهبر جنبش انقلابی باشد. تئوری انقلابی بنا به ماتریالیسم دیالکتیک، که خود برآمده از جنبش انقلابی است، ضامن پیروزی چنین جنبشی است. به بیان کمونیستی، هیچ جنبش انقلابی بدون تئوری انقلابی به پیروزی نمی‌رسد. عنصر آگاهی و آگاهی عنصر، ضرورت‌های پیشاهنگ انقلابی است. رادیکالیسم انقلابی، یعنی دست بردن به ریشه مسایل در جامعه طبقاتی ما، ویژگی چنین پیشاهنگی است. چنین رادیکالیسمی نمی‌تواند چیزی جز مبارزه طبقاتی تمام عیار یعنی سرنگونی سوسیالیستی مناسبات سرمایه‌داری و حاکمیت آن که علت اصلی تمامی فلاکت و اسارت جامعه است باشد- و گرنه هر گروه بندی سیاسی ارتجاعی نیز می‌تواند از رادیکالیسم ارتجاعی برخوردار باشد. مسئولیت شناسی و مسئولیت پذیری، در برابر وظایف تاریخی، و در برابر طبقه و جامعه، از دیگر مشخصه‌های چنین پیشاهنگی است. سازمان‌یافتگی، و برخورداری از مشخصه‌های اندام وارگی، ویژگی انقلابی چنین حزبی است- یعنی حزبی با سبک کار انقلابی، در پیوند و با ضرب آهنگ روشمند همه‌ی اعضا، همانند سلول‌های بدن یک موجود زنده‌ی پویا و بالنده، در سوخت و ساز هستی بخش زندگی

بینی مرگ خامنه‌ای.

کارگری نمونه اعتصاب و برآمد اعتراضی کارگران نیشکر هفت تپه در روزهای اخیر که شروع این اعتصاب سازمانیافته این مرکز کارگری در روزهای دوم و سوم مردادماه و ادامه تاکنونی آن، با بستن جاده شوش-اهواز در خیزشی متحدانه برای رساندن صدای اعتراض و فراخوانی همبستگی طبقاتی و اجتماعی رشد و خلاقیت مبارزاتی کارگران این بخش از طبقه کارگر را نشان می‌دهد.

- اعتصاب و اعتراض بیش از یک هفته‌ای افزون بر ۴۰۰۰ کارگر «گروه ملی فولاد صنعتی اهواز» (در همین روزهای اخیر)
- صدها اعتراض و مقاومت زنان، جوانان، تهری دستان شهر و روستا و قربانیان مناسبات و حاکمیت ضدانسانی سرمایه‌داری شده‌اند.

در چنین شرایطی:

رقابت جناح-باند‌های حاکم متمرکز در دولت و اصلاح طلبان حکومتی از سویی و بیت رهبری و سران سپاه و دستگاه‌های امنیتی در سوی دیگر، جامعه را به نابودی کشانیده است. یکی به پشتوانه روسیه و چین و کره شمالی و دیگری به پشتوانه‌ی کارتل‌های بزرگ غارت غربی و بازار حراج نولیبیرال، در این ویرانگری هستی و بود و باش افزون بر هفتاد میلیون نفر از حکومت شوندگان را تهدید می‌کند.

غلبه بر فضای سیاست زدایی و غلبه بر بی‌اعتنایی به سیاست، چیرگی بر رعب و سرکوب و قتل‌های همه روزه‌ی حکومتی، رویکرد به سازمانیابی نوین طبقاتی و در برگیرنده‌ی بخش‌های هرچه گسترده‌تر کارگران و زحمتکشان را در دستور کار می‌گذارد.

در منطقه و کردستان‌ها:

تبدیل کردستان به گره گاه و گرانیگاه رقابت بلوک‌های سرمایه جهانی غرق در بحران، به رهبری آمریکای و روسیه.

- حضور نیروهای نظامی تمامی امپریالیست‌ها و ارتجاع منطقه در عراق و سوریه، و شعله ور بودن جنگی ارتجاعی برای تقسیم دوباره جهان و ترسیم نقشه جغرافیای نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی منطقه خاور میانه.

- موضوع همه پرسى و استقلال کردستان عراق و تلاش گروه‌بندی‌های سیاسی کردی، حکومت اسلامی شیعی، سنی سلفی، عربستان سعودی، ترکیه نوعثمانی، آمد و شدهای سیاستمداران روسی و نمایندگان پوتین به رهبری آلکساندر دوگین در کردستان و تلاش وی برای تشکیل جبهه‌ای متحد با شرکت حکومت اسلامی ایران، سوریه و روسیه و نیروهایی از اقلیم کردستان...

- پیش بینی برآمد و خیزش اجتماعی، ناگهانی و سراسری.

- زمزمه‌ی روانی تغییر رژیم و تلاش امپریالیسم آمریکا و غرب سرمایه و حکومت‌های ارتجاعی منطقه تنها برای تقویت جناح پروغرب و فشار به باند سپاه.

- خطر سوسیال فرمیسم در جنبش کارگری که به صورت اتحادیه‌گرایی‌های سنتی خودنمایی می‌کند.

- خطر سوسیال فرمیسم در جنبش کارگری که به صورت اتحادیه‌گرایی‌های سنتی خودنمایی می‌کند.

- تلاش برای تشکیل جایگزین فراگیر، دربرگیرنده‌ی باند پروغرب حکومتی، مجاهدین خلق، سلطنت طلبان رنگارنگ، احزاب و گروه بندی‌های بورژوازی منطقه‌ای به ویژه در کردستان، به شیوه‌ی لویی جرگه‌ای همانند حکومت افغانستان...

در چنین شرایطی آمادگی انقلابی طبقه کارگر سازمانیافته و آگاه و رهبری مبارزه برای نجات جامعه بیش از همیشه ضرورت یافته است.

در سوی دیگر در چنین شرایطی است که:

- طبقه کارگر در دفاع از هستی و حقوق خویش، مستقل، اما سازمان نیافته و غیر سراسری به مبارزه‌ای بالنده ادامه می‌دهد.

- پرولتاریای ایران، در سال گذشته تا کنون گام‌های پیشتازانه و درخشانی در مبارزه طبقاتی، به نمایش گذارده است، افزون بر ۱۴۰۰

اعتراض و اعتصاب، اشغال و محاصره مراکز تولیدی در حال فروپاشی، راهپیمایی شبانه و روزانه با خانواده‌های خویش، با برآمد هزاران نفر، نمونه کارگران کارخانه «ماشین سازی هپکو اراک»، دستفروشان در اهواز، آموزگاران در گستره‌ای سراسری، کارگران شرکت واحد، نیشکر هفت تپه، همایش اعتراضی در برابر مجلس، زمزمه اعتصاب سراسری از جمله در میان کارگران و پرسنل شرکتی مخبرات و...

- اعتصاب‌های کوتاه و بلندمدت، جلوگیری از خروج محصول، تحصن یا اشغال کارخانه و محل تولید و حتی گروگان گیری مدیران، همایش اعتراضی در برابر ارگانهای دولتی و همایش‌های خیابانی از نمونه‌های روزمره مبارزات کارگری در ایران و اینک شکل کنونی همایش‌ها و اعتراض‌های خیابانی که با شرکت و حضور خانواده‌های کارگران همراه می‌باشند.

- شتاب و گستردگی اعتصاب‌ها و اعتراضات

فلاکت با برنامه ریزی و سوداگری باندهای حکومتی.

- دستبردهای پی در پی به قانون کار سرمایه بازمه به سود استثمارگران.
- وجود افزون بر ۳۰۰ هزار کولبر، تنها در کردستان.

- متلاشی شدن زیست و زندگی در بسیاری از استان‌ها، به ویژه در سیستان و بلوچستان و خوزستان سوخته.

- ارتش‌های اجارهایی-نیابتی از سوی سرمایه جهانی، گسترش مافیای مواد مخدر، سلاح، فروش زنان جوان برای بردگی جنسی و هر آنچه که تقاضایی برای خرید داشته باشد از سوی باندهای حکومتی و داعش.

- حمله به تشکلهای مستقل کارگری، گسترش کهکشان‌ی «ان جی اها» (NGO, SA)، به سان بخش‌هایی از الزامات گلوبالیزاسیون و نئولیبرالیسم و مشخصه امپریالیسم مالی و اقتصادی جهان گستر و به زیر چتر سرمایه داران و حکومت و سازمان ملل کشاندن آنها، برای جلوگیری از سازمانیابی مستقل و رادیکال کارگری و نهادهای مردم بنیاد و... در چنین شرایطی است.

- دستبردهای پرشتاب دولت روحانی به قانون کار، دستگیری فعالین کارگری، افزایش کشتار و رعب و وحشت در جامعه، در تلاش برای جذب و جلب سرمایه برای به‌خاموشی کشاندن اعتراض و حق طلبی.

- شدت یابی رکود تورمی، و ربایش آخرین پس‌اندازهای مردم به وسیله باندهای سارق و بانکدار سپاه و حکومتیان.

- ارزان‌سازی هرچه بیشتر نیروی کار، با هجومی گرگ وار به طبقه کار و لایه‌های فرودست جامعه.

- رواج و گسترش خشونت، تجاوز و کشتار کودکان، به امری رایج.

- فروپاشی تمامی اصول و عزت نفس انسانی و سلطه و رواج فساد و هر پلیدی و بی‌پرنسپیی به روال رایج در فرهنگ و مذهب و سنت حکومتیان.

- فروپاشی کانون‌های خانوادگی، خودکشی‌ها دسته جمعی، و گرایش شدید به خودکشی در میان نوجوانان.

- نابودی زیست و بوم جامعه، که به افزایش مرگ و میر و همه گیر شدن بیماری‌های عفونی، قلبی، ریوی، سرطان و دیگر بیماری‌ها انجامیده.

- خطر بروز جنگ آب در میان ساکنین جامعه.

- همه‌گیر شدن خشونت و فساد و ناامنی.
- شدت گرفتن ستیز باندها، به ویژه با پیش

فریدون ناظری

جمهوری اسلامی و مشکلات آن

و خلا یک بدیل متعارف بورژوازی و نیز عدم شکل گیری یک جنبش کمونیستی متکی به فعالین کارگری و لاجرم توده کارگران تا هم اکنون به زیست غیرعادی خود ادامه داده و همیشه دارای مشکل حاکمیت بوده است. این مشکل اکنون به بحران تبدیل شده است. شکل گیری سپاه پاسداران به عنوان یک نیروی نظامی و اقتصادی - مافیایی، که به رکن اصلی قدرت حاکمیت تبدیل شده، محصول این وضعیت غیرمتعارف و بحرانی است. این نهاد تا دندان در فساد و جنایت غرقه شده به قولی در کنار باند خامنه ای بر ۴۰ درصد اقتصاد ایران غلبه دارند که آنرا به صورت مافیایی اداره می کنند.

نیروی سوم هم دم و دستگاه روحانی می باشد که می خواهد در دل بحران و منجلا ب حکومتی بخش خصوصی ضعیف ایران را نمایندگی کند که نوشته اند بر ۱۵ درصد اقتصاد ایران تسلط دارد. استراتژی باند سپاه - خامنه ای برای حفظ بقای رژیم سرکوب شدید در داخل و داشتن نفوذ گسترده در عراق، سوریه و لبنان است. آنها فکر می کنند برای داشتن نفوذ سیاسی کارا و برخورداری از یک بازار برای تجار و بخشی از تولید گران ایرانی باید مخارج رژیم اسد، ده ها هزار نیروی ایرانی و افغانی در سوریه، ۸۰ هزار حشدالشعبی در عراق، حوثی ها در یمن و مخارج کامل حزب الله در لبنان را بپردازند. این باند با استراتژی پر مخارج خود پشتش به حمایت روسیه و تا حدودی چین گرم است. شکست این استراتژی که در خون نطفه بسته و دشمنی حکومت آمریکا، پادشاهی عربستان سعودی، تشدید دشمنی اسرائیل و مخالفت ترکیه را برانگیخته چشم اندازی جز شکست ندارد. روحانی بر عکس نماینده آن دسته از سرمایه داران و نیروهای سیاسی در ایران است که معتقدند سیاست منطقه ای سپاه - خامنه ای تنش زا و زیانبار است. این ها خواهان همراهی کردن با آمریکا در خاورمیانه و دست کشیدن از تحریکات علیه حکومت های خرد و درشت در منطقه و تعامل با آنها هستند. جماعت روحانی تصور می کنند که اگر سیاست خارجی جمهوری اسلامی پیروزمندانه به سوی رفع

جمهوری اسلامی با مشکلات عدیده ای روبروست که در این اثر به سه مشکل بزرگ آن اشاره می کنم. اولین مشکل خود رژیم است که با بحران های اقتصادی، اجتماعی و حکومتی عمیق روبروست. دومین مشکل صف آرای امپریالیسم آمریکا و متحدین منطقه ای آن در مقابل رژیم است. سومین و اساسی ترین مشکل روبرو بودن رژیم با میلیون ها کارگر و زحمتکشی است که خواهان تامین معاش مناسب و آزادی هستند.

۱ - جمهوری اسلامی:

این رژیم که به عنوان بدیل حکومت پهلوی از ۱۷ شهریور (جمعه خونین) ۱۳۵۸ به بعد بتدریج بر انقلاب ۵۷ هژمونی پیدا کرد محصول دو فاکتور بود: یکی کسب پشتیبانی بورژوازی و خرده بورژوازی در داخل و دوم جلب حمایت ۴ قدرت اصلی بلوک غرب یعنی آمریکا، انگلستان، فرانسه و آلمان غربی وقت، در خارج. پشتیبانی هر دو دسته مقدمتا به این خاطر بدست آمد که جریان اسلام سیاسی (مشهور به جریان خمینی) جریانی ضد کارگر و ضد سوسیالیستی بود. این جریان که در شرایط فقدان آلترناتیو از جانب بورژوازی و امپریالیسم و ناتوانی طبقه کارگر در کسب حاکمیت، متولد شده بود از همان ابتدا مقبول نه طبقه کارگر بود، نه بورژوازی و نه امپریالیسم. امپریالیسم و بورژوازی ایران به جریان خمینی به عنوان یک محلل می نگریستند. اما تعمیق انقلاب پس از سقوط حکومت پهلوی و ضرورت در هم شکستن جنبش کارگری با شوراهایش، جنبش زنان با خواست برابری جنسیتی، جنبش جوانان با خواست های شبه سوسیالیستیش، جنبش رهائیش در کردستان و تحریکات دهقانان در ترکمن صحرا و اعراب خوزستان به رژیم جدید مطلوبیت سیاسی داد. توانایی این رژیم در سرکوب انقلاب موجب ماندگاری آن شد.

اما این رژیم سرکوبگر هیچوقت به رژیمی تبدیل نشد تا بتواند در یک چارچوب متعارف بورژوازی جامعه را به لحاظ اقتصادی و اجتماعی و سیاسی اداره کند. به همین جهت همیشه در دل بحران های خارجی و داخلی

→ رزم و مقاومت نیروهای مردمی در کردستان سوریه و ترکیه برای خودگردانی شورایی (کانتون ها) و گرایش انقلابی در نبود حزب کمونیست پیشاهنگ این نیروها.

- سرمایه داری جهانی با هجوم به منطقه خاور میانه، این منطقه را میدان درگیری دو بلوک جهانی سرمایه قرار داده است.

- این هجوم به ضرورت نظم دوباره جهان بی نظم سرمایه باز می گردد. برآمد حکومت اسلامی در ایران، آغاز این بازسازی و ضرورت دوبار و داعش یا «دولت اسلامی عراق و شام»، جنگ نیابتی و سلاح هسته ای و ... ادامه ی آن.

- آنچه که در منطقه به ویژه در کردستان می گذرد، بیان رخدادهایی است به سود و سودای سرمایه جهانی، پرتش و داغ طبقه متوهم میانی جامعه. حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان حزب با موضعی مستقل و انقلابی و کمونیستی است که در این شرایط جایگاه و نقش انقلابی خویش را به داوری می گذارد و در دفاع از استقلال طبقاتی و مبارزاتی طبقه کارگر، در پیشاهنگی طبقه و پیشتازی مبارزه نشان می دهد. با تمامی این تاریخ درخشان، و تلاش ها و مبارزه ی شبانه روزی حزب کمونیست ایران، در تبلیغ، ترویج و سازماندهی به وسیله تمامی رسانه های خود، هنوز آنگونه که باید و شاید، حزب کمونیست ایران، از حضور دخالتگرانه، سراسری و همه جانبه و پیشاهنگانه خود فاصله دارد. ماهیت و هویت سیاسی حزب کمونیست ایران، تبلیغ، ترویج و سازماندهی کمونیستی است.

در چنین شرایطی تاریخی است که حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان آن - کومه له - به ویژه در یک آزمون تاریخی و طبقاتی قرار گرفته است.

تلاش برای دخالتگری کمونیستی، پیشاهنگی، و پاسخگویی به مسئولیت طبقاتی و انقلابی خویش یا نظاره گری، دنباله روی و تن سپاری به شرایط موجود گزینه های پیشاروی ماست. این نقش پیشتازانه، انقلابی و تاریخ ساز، بدون پیوند و اتحاد انترناسیونالیستی، بدون اتحاد و همبستگی و سازماندهی شورای نیروهای جنبش سوسیالیستی، و درموازی با آن، بدون مبارزه سرسختانه با سوسیال فرمیسم و ناسیونال نولیبرالیسم، بدون هرچه بیشتر کارگری شدن حزب کمونیست ایران و گره خوردن به کمونیسم مارکس و انگلس و جنبش کارگری، ره به پیروزی نمی برد. حزب کمونیست ایران، وظیفه مند است تا به امید، اعتماد و آرمان و ضرورت های مبارزاتی طبقه کارگر و تهی دستان شهر و روستا، پاسخی کمونیستی و تاریخی دهد.

۳۰ جولای ۲۰۱۷

کنیم. تحریم هایی علیه افراد و دیگران وضع شده است."

وزیر خارجه آمریکا همچنین گفت: "سیاست ما در قبال ایران پس زدن این هژمونی، مهار کردن توانایی شان برای ساخت سلاح هسته ای و تلاش برای حمایت از عناصری در داخل ایران است که به تغییر مسالمت آمیز رژیم



شان منجر می شود."

تحریم های دولت آمریکا علیه روسیه، کره شمالی و جمهوری اسلامی قبل از هر دولتی رژیم (و سپاه در قلب آن) را زیر ضربه خواهد گرفت. این تحریم ها در سوم مرداد (۲۵ جولای)، ابتدا در مجلس نمایندگان با کسب ۴۱۹ رای موافق و ۳ رای مخالف و سپس در مجلس سنا با ۹۸ رای موافق و ۲ رای مخالف به تصویب رسید. این تحریم ها، که به احتمال زیاد به تصویب ترامپ خواهد رسید، همچنین در راستای منافع پادشاهی عربستان و حکومت نژاد پرست اسرائیل و به این امید تنظیم شده که روحانی را در داخل تقویت کند. اما این تحریم ها اولین ضربه را به روحانی و سرمایه داران حامی آن می زند که می توانستند کمکی برای امپریالیسم آمریکا در جهت رام کردن باند سپاه - خامنه ای در منطقه خاورمیانه باشند. اظهار تمایل روحانی به انتخاب اعضای کابینه با صلاحدید خامنه ای، دیدار او با فرماندهان اصلی سپاه و تأیید نقش آنها در اقتصاد در دوم مرداد ۹۶ نمایانگر این واقعیت است. باید گفت نوعی سردرگمی در سیاست های امپریالیسم آمریکا در مقابل جمهوری اسلامی وجود دارد. برخورد متفاوت وزارت امور خارجه و کاخ سفید به برجام این امر را تأیید می کند.

در مجموع باید گفت که آمریکا هیچ نقشه راهی برای تغییر رژیم به شیوه مسالمت آمیز در داخل ندارد. اگر حکومت آمریکا در این مورد قاطع می بود، می بایست با دقت تمام روحانی و حامیانش را تقویت می کرد. زیرا وی و پیروانش تنها نیروی منسجم از تأیید کنندگان سیاست های امپریالیستی آمریکا هستند. خبرگزاری تسنیم، نزدیک به سپاه پاسداران در هفتم مرداد (۲۹ جولای) گزارشی تحت عنوان "مثلث تحریمی آمریکا علیه ایران به دنبال چیست؟" را روی سایت خود پست کرد که نکاتی قابل توجه دارد. در گزارش از زبان یک کارشناس به هدف تغییر



حاکمیت اشاره شده، ولی در سخنان

اصغر نحوی پور فریدونی، به رفتار سرکوبگرانه آخوندی به نام ذوالفقاری که سال ها در شهری مقام قضایی داشته و در آن صحنه بر سر حجاب به یک خانم رهگذر توهین می کرده، تاب نیاورده، اعتراض کرد و آخوند را به شدت کتک زد.

تیم مسلح نیروی انتظامی تا به صحنه رسید، بدون آن که با حمله و تعرضی از سوی اصغر روبه رو باشد و بدون کمترین هشدار و اختطاری، از فاصله کمتر از دومتري با تفنگ خودکار کلاشینکف به وی شلیک کرد. اصغر که بر زمین افتاده بود، یکسره می گفت: در اثر دیرکرد مأموران در جابه جایی زخمی، اصغر در راه بیمارستان با همین شعار جان باخت. (او بلافاصله از جانب مردم همچون تختی لقب پهلوان گرفت و ستایش شد.)

آخوند مصباحی مقدم، سخنگوی جامه روحانیت در تفسیر این حادثه گفت: «در شرایط بسیار حساسی به سر می بریم، مردم ایران طغیان کرده اند و باید کاملاً مراقب باشیم، زیرا شواهد اینگونه نشان می دهد که در ایران آخوندکشی آغاز شده و مردم چنان نسبت به آخوندها نفرت پیدا کرده اند که اگر جلو این گستاخی ها گرفته نشود، هرکس یک آخوند را زخمی کند یا بکشد، قهرمان ملی محسوب می شود».

۲ - آمریکا:

رکس تیلرسون، وزیر خارجه آمریکا، در ۲۴ خرداد (۱۴ ژوئن ۲۰۱۷)، در کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان گفت: "سیاست در قبال ایران در دست تدوین است و هنوز به رئیس جمهور ارائه نشده است. اما می توانم به شما بگویم که ما قطعاً به حضور ادامه دار بی ثبات کننده ایران در منطقه، پرداخت هایش به جنگجویان خارجی، صدور نیروهای شبه نظامی به عراق، سوریه و یمن، حمایتشان از حزب الله واقف هستیم و در پاسخ به هژمونی ایران اقدام می

تشنش در منطقه سوق داده شود سرمایه داران و مجتمع های صنعتی و بانکی بزرگ در صنایع و بویژه صنعت نفت و گاز به صورت کلان سرمایه گذاری خواهند کرد، تکنولوژی نوین خواهند آورد و با ایجاد شغل میلیون ها کارگر بیکار را به سر کار خواهند آورد و بار مشکلات جمهوری اسلامی سبک خواهد شد. آنها، به همین دلیل، بستن قرارداد با

شرکت های بین المللی نظیر توتال را دستاورد مهمی برای خود می دانند. نوشته اند که این قرارداد ۴ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلاری، که برای توسعه فاز ۱۱ میدان گازی پارس جنوبی منعقد شده، به شدت در خدمت هرچه بی حقوقتر کردن کارگران و ارزانتر کردن نیروی کار بوده و برای خود رژیم هم خفتبار است.

ترس از سرنگونی:

بن بست سیاسی رژیم و نداشتن هیچ چشم اندازی برای غلبه بر بحران های کشنده مذکور، تضعیف کارایی نیروهای سرکوب، گسترش و تعمیق مبارزات کارگری و مقاومت سایر مردم ناراضی نظیر زنان سبب شده هر از چند گاهی یکی از مقامات ترس سران از سرنگونی رژیمشان را بر زبان آورد به این امید که نیروهای سرکوب را در حال هشدار نگهدارد.

در همین رابطه می توان به گوشه هایی از سخنان ایراد شده احمد جنتی، رئیس مجلس خبرگان، را بیان کرد. او در ۵ مرداد ۹۶ در نشست مشترک هیئت رئیسه و کمیسیون های داخلی این مجلس از جمله گفت: "مهمترین حساسیت رهبر جمهوری اسلامی "فتنه" است. ... مهمترین مسئله فتنه براندازی است. ... دشمن در فکر براندازی است و "می خواهد این براندازی را از داخل شروع کند چرا که از خارج نتوانست به نتیجه برسد."

البته بهانه این هشدار در ظاهر تشدید فشارهای دولت آمریکا بر رژیم و مقامات آنست که هیچ برنامه ی بالفعلی برای تغییر رژیم ندارد. اما ترس واقعی از مردم است.

هراس مقامات خالی شدن تدریجی زیر پای آنها در حوادث کوچک و روزانه هم خود را می نمایند. "در بخشی از مقاله "کند و کاوی در پیام های سیاسی یک قتل!" نوشته احمد مجد آمده است: در روز شنبه ۲۴ تیرماه، در ایستگاه زیرزمینی مترو شهری، یک شهروند جوان ورزشکار و خوشنام آن منطقه، به نام

نشد. اکنون مبارزات کارگری راه پیشروی در پیش گرفته، آزادیخواهی، سکولاریسم و نفرت از مذهب تقویت شده، مقاومت زنان ادامه دارد و جنبش انقلابی کردستان ظرفیت های پیشروی را حفظ کرده است. این جنبش ها و حرکات در شرایط متحول کنونی این امکان را دارند تا سرنوشت جمهوری اسلامی را رقم بزنند.

ب: وضع نئولیبرالیسم در دنیا و ایران

خصوصی و شبه خصوصی سازی ها، گسترش شدید شرکت های پیمان کاری، تعدیل نیرو و بیکار سازی ها، ارزان سازی مستمر نیروی کار، بی تامین شدن شغل ها از طریق قرارداد های سفید امضا و موقت، بیرون راندن زنان از مشاغل رسمی و به کار گرفتن کاملاً ارزان آنها در مشاغل غیر رسمی و نظایر آنها محصول سیاست های نئولیبرالیستی در بخش های خصوصی، دولتی و شبه دولتی است. این سیاست ها به شدت از جانب دولت روحانی دنبال می شود. تلاش در جهت رسمیت بخشیدن حقوقی به بی حقوق کارگران از طریق تغییر قانون کاری که در عمل پیاده نمی شود و اجرایی شدن طرح برده وار طرح کارورزی از نمونه های رسوای این سیاست هاست. اما نئولیبرالیسم در زادگاه آن، که آمریکا باشد، بدلیل ناتوانی شدید به طرز نومیذانه دارد به پروتکشنیسم پناه می برد. سرنوشت چنین سیاست هایی در یک کشور سرمایه داری عقب افتاده نظیر ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی معلوم است.

سخن آخر:

از گرامشی نقل است که گفت در ادواری که نظم کهن ناتوان مانده و نظم جدید هنوز متولد نشده هیولا متولد خواهد شد. در دوره ما هیولاها مثل هیتلرها واقعی نیستند، بلکه مثل ترامپ ها آشفته، نظیر احمدی نژاد ها خل مزاج، بسان خامنه ای ها خشک اندیش و همانند روحانی ها جوبوندند. بر عکس جبهه سرمایه و ارتجاع در جبهه نعمت آفرینی و انقلاب زمینه های ظهور رهبران ژرف اندیش، آینده نگر و جسور دارد در دل تشکلهای طبقاتی و احزاب انقلابی کارگری و کمونیست فراهم می شود. و رهبری جمعی و شخصیت ها در دل آنها در انقلابات آینده مثل همیشه نقش کلیدی در جهت پیروزی بازی خواهند کرد.

اوت ۲۰۱۷ - مرداد ۹۶

وظیفه نجات بشر از مصائب سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم را به عهده دارد. کارگران در ایران در اوایل قرن و به برکت داشتن تماس با بلشویک ها با همین خصوصیات پا به عرصه سیاسی گذاشتند و رشد کردند. اما آنان از همان زمان تاکنون زیر بزرگترین ضربات از جانب دولت های حامی طبقات و سپس طبقه حاکمه بوده و در یک خط زیزگراگی از پیشروی و پیروزی حرکت کرده اند. اما بخش پیشرو این طبقه در وجه غالب خصوصیت ضد سرمایه داری و متمایل به سوسیالیسم را حفظ کرده است. این خصوصیت در انقلاب ۵۷ با تولد شوهرها خود را نشان داد. پس از سرکوب های دهه شصت به بعد کارگران پیشرو و فعالین کارگری از اوایل دهه ۸۰ میلادی تحرکاتی در ایجاد تشکل مستقل، برگزاری مراسم های اول ماه مه و روز زن و نظایر آنها از خود نشان دادند که موجب ایجاد تغییراتی در تناسب قوا و ترک انداختن بر دیواره ی شیشه ای استبداد شد. این دوره از پیشروی با اغراق در علنی کاری همراه بود. به همین دلیل اکثریت تام فعالین کارگری زیر ضربات قرار گرفتند. به نظر می رسد که اغراق در علنی کاری دارد جای خود را به تلفیق درستی از کار علنی - قانونی می دهد. از شواهد این امر می توان به ظهور طیف تازه ای از فعالین کارگری اشاره کرد که وجودشان در رهبری اعتصاب ها و تظاهرات های بلند مدت، جمعی تر و پایدار تر محسوس است. اما مثل قبل در سطح توده ای شناخته شده نیستند. علیرغم این واقعیت باید اذعان کرد که کل طبقه هنوز ضعیف است. عواملی موجبات این ضعف را فراهم کرده که در اینجا به دو عامل محلی، یعنی استبداد و عامل جهانی یعنی سلطه نئولیبرالیسم بر اقتصاد اشاره می شود:

الف: وضع حکومت استبدادی

یکی از فاکتورهای اصلی وضع مصیبت بار موجود طبقه کارگر ناشی از استبداد موجود است. سرمایه داری نحیف و سرمایه داران و خرده بورژوازی ایران همیشه تحت پوشش دیکتاتوری نظامی (حکومت پهلوی) و دیکتاتوری دینی بوده اند. این رژیم های استبداد در عین حمایت از آنها در مقابل طبقه کارگر هر جا لازم بوده اقتشاری از آنها را نیز سرکوب کرده است. تشدید استبداد پس از سرنگونی حکومت پهلوی مربوط به وجود طبقه کارگر مبارز، جوانان آزادیخواه و سکولار، زنان مقاوم و جنبش رهاییبخش کردستان بوده است. این استبداد علیرغم اینکه قادر شد ضرباتی گاه کاری وارد کند، اما قادر به نابودی مبارزه و مقاومت

یک نماینده مجلس و نتیجه گیری خبری تسنیم از تغییر رژیم در سخنی میان نیست. نتیجه گیری گزارش چنین است: "بنا بر آنچه رفت، آمریکا همانطور که ترامپ اعلام کرده با ناراضیاتی ای که از برجام دارد به دنبال بر هم زدن آن است. اما این بازی از سوی واشنگتن طوری طراحی شده تا ایران از برجام خارج شود و به این ترتیب بتواند همه اعضای شورای امنیت را با خود همراه کند و برای اقدامات ضدایرانی خود در سطح جهانی همپیمانانی داشته باشد. در همین راستا می توان پیش بینی کرد که طی ماه های آینده فشارهای بیشتری به ایران وارد شود تا مقامات کشورمان خروج از برجام را برگزینند."

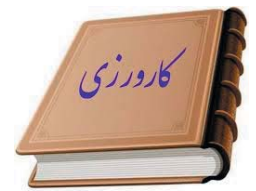
۳ - طبقه کارگر و مطالبات آن:

کاردستان رژیم این روزها به فراوانی دم از در پیش بودن یک فتنه جدید می زند. منظور آنها از فتنه خیزشی شکوهمند نظیر تظاهرات ها و آکسیون های ضد دیکتاتوری ۱۳۸۸ است. آن خیزش، که با "رای من کو؟" آغاز شد و تا مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای و پایمال کردن و آتش زدن عکس های خامنه ای و خمینی ارتقا یافت توسط موسوی و کروبی، یعنی رهبران مرتجعی با ناکامی روبرو شد که خود از جانبیان و معماران همین رژیم بودند. اما خیزش آینده به لحاظ بافت جمعیتی، مطالبات و رهبری متعلق به طبقه نعمت آفرین جامعه خواهد بود که در گام نخست خواستار تامین معیشت مناسب انسان قرن بیست و یک و تامین آزادی برای در جامعه خواهد بود.

در دل بحران جهانی سرمایه داری و زیر سلطه جمهوری اسلامی بین ۵۰ تا ۷۰ درصد شهروندان زن و مرد در ایران به زیر خط فقر نسبی رانده شده اند. طبقه کارگر با حدود ۸ میلیون بیکار و شاغلینی که دستمزد ۴ بار زیر خط فقر را نیز سروقت دریافت نمی کنند، اکثریت این به فقر رانده شدگان را تشکیل می دهند. این کارگران اعم از زن و مرد یا خود و والدینشان همین چهار دهه پیش برای تامین رفاه و آزادی در یکی از بزرگ ترین انقلاب های قرن بیستم شرکت داشتند و با اعتصابات سراسری و مبارزاتشان موجبات حکومت پهلوی را فراهم کردند.

امکانات پیشروی طبقه کارگر:

طبقه کارگر به لحاظ جایگاهش در تولید سرمایه داری به طور بالقوه طبقه ای انقلابی است که



طرح کارورزی تدارک جمله ضد انسانی دیگر به طبقه کارگر

و غیرانسانی برای کارورز نیز وابسته به میل و اراده‌ی کارفرما است.

سه. طرح کارورزی شرایط کاری را برای کارگران شکننده و بی‌ثبات می‌کند. با وجود وارد کردن قیودی در دستورالعمل اجرایی طرح، در جهت ممانعت از اخراج کارگران در مقابل جذب کارورزان، به دلیل ضعف و عدم شفافیت نهاد بازرسی، هیچ تضمین اجرایی محکمی برای جلوگیری از تهدید مشاغل کارگران با اجرای طرح کارورزی وجود ندارد. علاوه بر این، مسئله‌ی کارگران موقت مطرح می‌شود. این قشر از کارگران که در دهه‌های اخیر، با انواع و اقسام ترفندهای قانونی و فراقانونی، بر شمار آن‌ها افزوده شده است، بیش از پیش در معرض بی‌ثباتی شغلی قرار می‌گیرند. با اجرای طرح «کارورزی»، کارفرما به راحتی می‌تواند کارگران موقت را که قراردادهای بی‌ثبات و وضعیت بیمه‌ی نامشخصی دارند، اخراج و به جای آن‌ها، کارورزان ارزان‌قیمت را جذب کند.

در ادامه بیانیه آمده است:

ما با صراحت اعلام می‌کنیم که مشکل طرح کارورزی - و طرح‌های مشابه - به هیچ‌عنوان محدود به نواقص آیین‌نامه‌ای و حقوقی نیست؛ بلکه این طرح از اساس استثماری و مشکلات آن ریشه‌ای‌تر است و پیامدهای اجتماعی آن فاجعه به بار می‌آورد. بی‌تردید قانون کار کنونی، خود بخشی از مشکلات وضعیت کارگران ایران است. اما مسئله آن جاست که مجریان قانون خود را برای سودجویی بی‌حصر از کارگران با حداقل‌های در نظر گرفته شده و ذیل پرچم قانون، محق می‌دانند. از این روست که ما بر ضعف‌های قانونی که هدفش درهم شکستن تمامی امکان‌های مقاومت برضد ارزان‌سازی هرچه بیشتر نیروی کار است، دست می‌گذاریم. با اجرایی شدن این طرح، بیکارهای تازه‌وارد و شاغلان قدیمی، هردو حقوقشان به خطر می‌افتد. عرضه‌ی مازاد بر تقاضای نیروی کار باعث می‌شود قیمت نیروی کار پایین بیاید. در این صورت تفاوتی ندارد که فرد بیکار باشد یا شاغل، این طبقه کارگر است که قدرت چانه‌زنی‌اش را هرچه بیشتر از دست می‌دهد.

روز دوشنبه نهم مرداد صدها تن از شخصیت‌های چپ، فعالان به نام سندیکایی و کارگری، استادان دانشگاه‌ها، حقوق دانان و نویسندگان و فعالان داخل کشور، با انتشار بیانیه‌ای خواهان لغو طرح «کارورزی» شده‌اند. نظر به اهمیت موضوع بخشهایی از این بیانیه را در این قسمت از برنامه‌های تلویزیون کومه‌له و حزب کمونیست ایران، به سمع و نظرتان می‌رسانیم: مردم ایران!

حیات اجتماعی کارگران و دانشجویان این کشور؛ همچون معلمان، پرستاران و دیگر اقشار زحمتکش، به واسطه‌ی موج جدید سیاست‌های سودمحور و زودبازده سرمایه‌سالار، مورد هجوم قرار گرفته است. سکوت در برابر چنین حملاتی تحت عنوان «دامن نزدن به کشمکش‌های طبقاتی»، «سوءاستفاده‌های سیاسی-جناحی برای حمله به دولت» یا «اولویت آزادی بر عدالت» چیزی نیست جز چشم بستن بر زندگی اکثریت کسانی که آفرینندگان واقعی ثروت و مولدان حقیقی جامعه‌اند.

طرح کارورزی که پس از شکست طرح‌های استثماری مختلف، همچون طرح استاد-شاگردی، در دولت دهم تصویب شد، مجدداً در دولت یازدهم مورد بازنگری و تنظیم قرار گرفت. این دولت که در تلاش برای تصویب لایحه‌ی اصلاح قانون کار، شکستی نسبی را متحمل شد، پروژه‌ای دیگر را برای خدمت به تأمین منافع خود و دیگر کارفرمایان آغاز کرد و بالاخره پس از انتخابات دولت دوازدهم و از تیرماه سال جاری شاهد اجرایی شدن طرح کارورزی هستیم؛ طرحی که ذیل «برنامه‌ی اشتغال فراگیر» قرار می‌گیرد و به شکل مستقیم حیات طبقه‌ی کارگر را نشانه رفته است.

ما، امضاکنندگان این بیانیه ضمن تأکید بر ماهیت استثماری «برنامه‌ی اشتغال فراگیر» (به‌ویژه طرح کارورزی) اعلام می‌کنیم که این طرح هدفی جز تأمین نیروی کار بسیار ارزان و بی‌ثبات برای سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی ندارد و پیامد آن افزایش ناامنی شغلی و تضعیف بیش از پیش سطح زندگی برای طبقات فرودست است. کارفرمایان و مقامات دولتی، از جمله وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، تاکنون از هیچ فرصتی برای تبلیغ میلیون‌ها تحصیل‌کرده‌ی

بیکار در ایران به عنوان نیروی کار ارزان در پیشگاه هیئت‌های تجاری و سرمایه‌گذاران خارجی دریغ نکرده‌اند. صندوق بین‌المللی پول نیز طی گزارش خود در سال ۲۰۱۷ درباره‌ی ایران، بر اهمیت این تحصیل‌کرده‌های بیکار در بالابردن سود برای بخش خصوصی تأکید کرده است. اکنون، اجرایی کردن طرح کارورزی در واقع لغزاندن جمعیت عظیم فارغ‌التحصیلان بیکار به دهان سیری‌ناپذیر سرمایه‌ای است که مایل است نیروی کار هرچه ارزان‌تر و بی‌ثبات‌تر را به نفع سود سرمایه‌دار جذب کند. نگاهی به بندهای آیین‌نامه‌ی اجرایی این طرح، ماهیت واقعی آن را به خوبی مشخص می‌سازد.

یک. بر اساس ماده‌ی ۱۰ طرح کارورزی، کارفرما هیچ تعهدی به استخدام موقت یا دائمی کارورز ندارد. همچنین، کارورز فاقد هرگونه حقی بر شمولیت تحت قوانین کار و تأمین اجتماعی است. متولیان طرح در حالی که مدعی اشتغال زایی با چنین برنامه‌هایی هستند، باید پاسخ دهند که چهار تا شش ماه کارورزی بدون تعهد کارفرما به استخدام، چگونه می‌تواند ضامن کاهش نرخ بیکاری باشد؟ آیا هدف، علاوه بر کاهش دستمزدها و کاهش امنیت شغلی، ایجاد تغییرات صوری و غیرواقعی در آمارها نیست؟ دو. بر اساس متن دستورالعمل اجرایی طرح، مُزد کارورز «تا سقف» یک سوم حداقل دستمزد کشور (ماده‌ی ۸)، برای مدت چهار تا هشت ساعت در روز (تبصره‌ی ماده‌ی ۶)، در نظر گرفته شده است که نیمی از آن را دولت می‌پردازد. این مُزد که برای فرار از اعطای دیگر حقوق کار به کارورز «کمک هزینه‌ی آموزشی» نام گرفته، نه تنها حداقل نیازهای انسانی کارورز را تأمین نمی‌کند، بلکه نظر به عدم وجود دستورالعمل برای پرداخت حقوق کارورز، هیچ تضمینی برای پرداخت دستمزد در پایان دوره، طبق تبصره‌ی ماده‌ی هشت و یا وعده‌ی جهانگیری که پرداخت دستمزد به شکل ماهیانه را مطرح کرده است، وجود ندارد. علاوه بر این، بندهای «دال» و «واو» ماده‌ی ۱۴ با تعیین معیارهایی غیرعینی که وابسته به نظر کارفرما برای فسخ قرارداد بین کارورز و کارفرماست، دست کارفرما را برای فسخ قرار باز می‌گذارند. البته تداوم همین شرایط شکننده



جهان امروز

نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود!

سر دبیر: هلمت احمدیان

زیر نظر هیئت تحریریه

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

halmatean@hotmail.com

- * جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می‌کند.
- * استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.
- * مسئولیت مطالب جهان - نشریه است.
- * جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می‌رسد.
- * مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه ۴ با سایز ۱۲ است.

کارگرانی بالقوه خواهند بود که هرچه سریع‌تر باید روند تحصیل را طی کنند و مهارت بیاموزند تا به کارگران بالفعل ارزان‌قیمت بدل شوند. اگر «طرح کارورزی» صرفاً برای دانش‌آموختگان دانشگاهی است اما «طرح مهارت‌آموزی در محیط کار واقعی» همه اقشار جامعه را دربرمی‌گیرد. اینجا دیگر نه خبری از آن ۳۱۰ هزار تومان است، و نه معافیت دو ساله بیمه. این طرح به طور مشخص به کارفرماها اجازه می‌دهد از مهارت‌آموزها به‌عنوان نیروهای ارزان‌قیمت و حتی رایگان استفاده کنند.

با استناد به تمام دلایل فوق و در همراهی با اعتراضات گسترده‌ی اقشار مختلف، که آماج حملات چنین طرح‌هایی هستند، ما امضاکنندگان این بیانیه خواستار لغو «طرح کارورزی» هستیم. همچنین از احاد جامعه می‌خواهیم تا نسبت به تصویب و اجرا شدن چنین طرح‌هایی تحت عنوان شعار «خارج کردن جامعه از بحران» اعتراض کنند. این‌گونه طرح‌های ضداجتماعی و سودمحور، نه تنها با کرامت و زیست انسانی کارگران، دانشجویان و بیکاران، که با قوانینی چون قانون کار که حداقل پشتوانه‌های حمایتی از نیروی کار را تأمین می‌کنند، مغایرت دارند. در نتیجه خواست فوری و صریح ما الغای طرح کارورزی و طرح‌های مشابه آن نظیر «مهارت‌آموزی در محیط کار» است. ما مصرانه از معلمان، پرستاران، کارگران، دانشجویان و تمامی متعهدان به آرمان برابری و عدالت می‌خواهیم در برابر این حملات غیرانسانی به نیروهای کار بایستند.

برگرفته از سخن روز
تلویزیون حزب کمونیست ایران
۰۵-۱۰-۱۳۹۶ | ۰۸-۰۱-۲۰۱۷

دولت از طریق «کارورزی» صرفاً به دنبال راه فراری است تا با دستکاری در آمار و ارقام، موفقیتش در کاهش بیکاری را به رخ بکشد. در حالی که به کارگماردن دانش‌آموختگان دانشگاهی به مدت چهار تا شش ماه - بی هیچ تضمینی برای استخدام - و سپس جایگزین کردن چند دانش‌آموخته‌ی دیگر، تنها آمارهای مقطعی بیکاری را کاهش می‌دهد. از طرفی، طرح «کارورزی» تنها فرافکنی بحران در آموزش عالی و سرپوش گذاشتن بر آن است. «کارورزی» طرحی در جهت «انتقال مهارت» است، حال آن‌که در تمام رشته‌های فنی و مهندسی - که آماج اصلی طرح کارورزی هستند - دانشجو به عنوان بخشی از برنامه‌ی درسی خود باید در محیط‌های واقعی کار، ساعت‌ها «کارآموزی» بگذراند. پس از گذراندن این «کارآموزی»، «کارورزی» چه سودی برای مهارت‌آموزی دانشجو دارد؟

علاوه بر اینها «کارورزی»، از آن جهت که نشان از روحیه‌ی عمومی دولت در مواجهه با مسئله‌ی دانشگاه دارد - یعنی نگرستن به دانشگاه همچون بنگاهی سودآفرین و خوداتکا و کارخانه‌ی تولید نیروی کار تحصیل‌کرده‌ی ارزان‌قیمت - به تشدید رکود سیاسی-اجتماعی دانشگاه‌ها می‌انجامد. در ذیل چنین رویکردی به دانشگاه - که نه فقط در طرح «کارورزی»، بلکه در طرح‌هایی مثل سهمیه‌بندی یارانه‌ی دانشگاه‌ها بر اساس پتانسیل اشتغال‌زایی آنها، طرح تحول در علوم انسانی، گنجانیدن درس‌هایی چون «مبانی کارآفرینی» در دروس رشته‌هایی مثل علوم اجتماعی و پولی‌سازی‌های فزاینده‌ی امکانات دانشگاهی و چندین طرح و نقشه‌ی دیگر نیز مشهود است - اساساً دیگر دانشگاه جایی برای تعاملات اجتماعی و فعالیت‌های صنفی و سیاسی نخواهد بود. دانشجویان همواره

تماس با
کمیته تشکیلات دلال کشور
حزب کمونیست ایران

h.faalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

۰۰۴۵۹۷۵۲۱۵۵۱
۰۰۴۶۷۳۷۲۷۶۷۶۹
۰۰۴۶۸۷۱۰۸۵۲۵

تماس با کمیته تشکیلات
دلال کومه له (تکلیف)

takesh.komalah@gmail.com





علی اکبر دهخدا

زاده ۱۲۵۷ خورشیدی تهران
درگذشت ۷ اسفند ۱۳۳۴ تهران

په‌ره‌های ماندگار:

اسرافیل نوشته‌ای که به تکفیر انجامیده باشد، دیده نمی‌شود. اما بررسی مطالب سیاسی را به وزارت علوم و معارف سپردند که حکم به توقیف روزنامه داده شد. و دهخدا نیز به مجلس فراخوانده شد. وی توانست با استواری، هوشمندانه، مرتجعین را خاموش سازد. اوباشان دین و حکومت، در همان روز در برابر پارلمان مشروطه با سلاح گرم در انتظارش بودند تا مانند کسروی که بعدتر به دست سیدنواب صفوی و گروه فداییان اسلام در دادگستری به فتوای آیت‌الله‌ها به قتل رسید، کشته شود، که با پیش بینی از نقشه ترور، با خروج از در پشتی مجلس، جان به در برد. صوراسرافیل در برهه‌ی دو ساله‌ی عمر کوتاه خود، پنج بار توقیف شد و با پایداری شجاعانه و مسئولانه گروه روزنامه تا به توپ بستن مجلس و به خون تپیدن میرزا جهانگیر شیرازی پایدار ماند. در پی آخرین ممنوعیت در پنجم تیرماه ۱۲۸۷، پس از پناه گرفتن دهخدا در اروپا، ۹ شماره از آن در سوئیس و پاریس منتشر شد و سپس برای همیشه تعطیل شد.

بنا به بیان ناظم‌الاسلام کرمانی از کوشندگان پیشرو مشروطه و نویسنده‌ی تاریخ بیداری ایرانیان، بنا شد که شش نفر از کسانی که در «سفارتخانه انگلیس بودند نفی و تبعید شوند که هر یک را از قرار ماهی صد و پنجاه تومان بدهند و غلام سفارت آنها را برود به سرحد برساند و رسید گرفته مراجعت کند، تا یک سال در خارجه باشند. پس از یک سال مختارند به هر جا بخواهند بروند و یا مراجعت کنند به ایران». سید حسن تقی‌زاده، میرزا محمد نجات، وحیدالملک، دهخدا، حسین پرویز از جمله کسانی هستند که از توپ باران مجلس و چوبه‌ی دار آیت‌الله نوری و محمدعلی شاه و قراقان جان به در برده و از راه تقلیس به پاریس رفتند. با ورود دهخدا و آزادی خواهان تبعیدی به پاریس، انتشار صوراسرافیل در تبعید از سر گرفته می‌شود. یکی از شماره‌های آن در سوئیس منتشر شد. باقر مومنی، در پی یافتن این شماره و جمع آوری تمامی شماره های صوراسرافیل تلاشی ارزنده ←

کنند و «انقلابات شدنی» را چاوشگر هستند. به این بیان که آنان، انقلاب را مامای فلاکت جامعه می‌دانند و از رفم‌های رادیکال نیز می‌نویسند و به فقر و ریشه‌ی نابسامانی‌های جامعه می‌پردازند. در هنگامه‌ی قیام کارگران در مسکو، که انقلاب کارگران نیز خوانده می‌شود و همزمان است با انقلاب مشروطه در ایران و روس، صور اسرافیل، با نقل قول از ایسکرا، ارگان تبلیغی، ترویجی و سازمانگر حزب سوسیالیست (سوسیال دمکرات) کارگران روسیه، به روشنی از خواسته‌های سوسیالیستی طبقه کارگر انقلابی سخن می‌گوید و می‌افزاید که تهی‌دستان و حکومت شوندگان در ایران همان را می‌خواهند که کارگران در روسیه، یعنی سوسیالیسم (نقل به معنی). نخستین شماره این روزنامه هفتگی، روز پنج‌شنبه هشتم خرداد ۱۲۸۶ (۳۰ مه ۱۹۰۷) در هشت صفحه در تهران منتشر شد و در گذر چهارده ماه بعدی با توقیف‌ها و یورش‌ها و ویران‌سازی دفتر و تهدید به مرگ نویسندگان، روی هم رفته سی و دو شماره منتشر شد. دهخدا در آغاز هر شماره روزنامه نوشتاری سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌نگاشت و در ستون آخر هر شماره مطلبی طنزسیاسی، زیر نام «چرند و پرند» با نام‌های مستعار و بیشتر «دخو» می‌نوشت. دهخدا به این گونه سبک نگارش و ادبیات ویژه‌ای را برای نخستین بار در ایران باب کرد.

نوشتارهای سیاسی و روشنگرانه‌ی میرزا جهانگیر و دهخدا خشم حکومت قاجار، ملاکین و روحانیون را بر می‌آشفته و از این روی بارها مورد ترور و تهدید و تکفیر قرار گرفت. به فتوای ملایان چند بار دفتر روزنامه را ویران کردند. بارها شکایت ملایان و تجاری که در مجلس مشروطه خزیده بودند، در پارلمان خوانده شد و در یکی از نشست‌های مجلس به شکایت انجمن اتحادیه طلاب از روزنامه صوراسرافیل اشاره شد. داوری به گروه بررسی شکایات مجلس رسید و سرانجام «آقا سید محمد جعفر» نماینده‌ی دیگر اعلام کرد که در شماره‌های مورد شکایت ۱۲ و ۱۴ صور

در این شماره "جهان امروز" به گوشه‌هایی از زندگانی پر بار و اندیشه‌های سیاسی چهره‌ی سیاسی، ادبی و فرهنگی جامعه، علی اکبر دهخدا، می‌پردازیم.

علی اکبر دهخدا، زاده تهران، ۲۱ ساله است که در سال ۱۲۷۸ خورشیدی با گشایش مدرسه علوم سیاسی وابسته به وزارت امور خارجه به مدت چهارسال به آموزش سیاسی می‌پردازد. او از نخستین فارغ‌التحصیلان این دانشکده در ایران بود. دهخدا، ادبیات را نزد محمدحسین فروغی در همین آموزشگاه فراگرفت و خود به آموزش دیگران نیز می‌پرداخت. سپس در وزارت امور خارجه کارمند شد و در سال ۱۲۸۱ همراه سفیر ایران در کشورهای بالکان به منشی‌گری سفارت درآمد و دو سالی در وین پایتخت اتریش، فرانسوی و آلمانی آموخت و در همین برهه است که با اندیشه سوسیالیستی، به ویژه با حزب سوسیالیست کارگران روسیه آشنا می‌شود. در سال ۱۲۸۴ هنگامی که دهخدا به ایران بازگشت، خیزش مشروطه خواهی اوج گرفته بود. شش ماهی در اداره شوسه‌ی خراسان به عنوان مترجم، مهندس بلژیکی به کار می‌پردازد. در سال ۱۲۸۵ است که با میرزا جهانگیرخان شیرازی و میرزا قاسم‌خان تبریزی دو فعال سیاسی همراه می‌شود تا روزنامه صوراسرافیل را که نقش آگاه‌گرانه و رادیکال جنبش مشروطه خواهی و تربیون و زبان فرودستان است را ایفا می‌کند سازماندهی کند. روزنامه صور اسرافیل، شیپور آزادی این جنبش است که با شعار «هویت، مساوت، اخوت» بر پرچم، نقش عمده‌ای در بیداری جامعه داشت و در تلاش برای نشر اندیشه‌های نو پیشتاز، بر آن بود تا با شیپوری بیدارباش در جان جامعه‌ی خاموش و سرکوب شده و تن سپرده به روحانیت و مذهب و استبداد قجری و فئودالی نوای بیدار باش بدمد.

نویسندگان صوراسرافیل، برخوردار از گرایش طبقاتی کارگری و فرودستان جامعه و اندیشه‌ی سوسیالیستی، به انقلاب تهی‌دستان باور دارند. دهخدا و میرزا جهانگیر شیرازی، «شورش» عمومی برزگران و تهی‌دستان ار پشتیبانی می

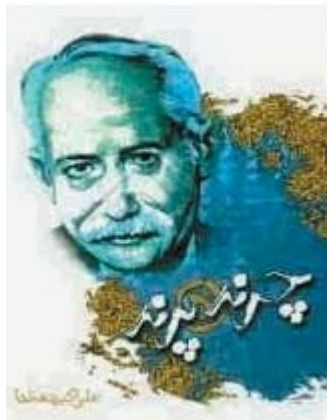
ورزید و سرانجام شماره گمشده را یافت.

با ورود دهخدا و گروه جان به دربرده، به دعوت ادوارد براون، تنی چند از آنان به لندن رفتند. میرزا آقا فرشی، سید حسن تقی‌زاده، معاضدالسلطنه و محمدعلی تربیت از آن جمله بودند. دهخدا دعوت براون را برای رفتن به لندن و نشر صوراسرافیل در آن شهر را نپذیرفت. براون وجود امکاناتی از جمله روزنامه‌هایی در شمار گاردین و دیلی نیوز که به هواخواهی مشروطه می‌نوشتند را برای دهخدا و همراهان دلیل می‌آورد، اما دهخدا نپذیرفت. معاضدالسلطنه از لندن به پاریس بازگشت و با دهخدا همراه شد. در این برهه، در پاریس دهخدا، با علامه محمد قزوینی دوستی و همراهی داشت.

از آنجا که امکان نشر روزنامه در پاریس دشوار بود، گروه صوراسرافیل، یعنی دهخدا، میرزا قاسم‌خان تبریزی، میرزا محمد نجات و حسین پرویز، در آذر ماه ۱۲۸۷ خ به شهرک ایوردن (Yverdon) در سوئیس رفتند، اما محل چاپ روزنامه همچنان در پاریس حفظ بود. دوره دوم صوراسرافیل در ایوردن در دی و اسفند ۱۲۸۷ تنها سه شماره به کمک میرزا ابوالحسن خان پیر نیا (معاضد الدوله) منتشر شد. مطالب و مقالات روزنامه به قلم دهخدا و بسیار تندتر و آشکارتر از پیش بود. در شماره سوم، دهخدا شعر معروف خود «یاد آر ز شمع مرده یاد آر» که آن را در یادبود میرزا جهانگیرخان شیرازی سروده بود به چاپ می‌رساند. در این برهه، دهخدا به دشواری روزگار می‌گذراند و زندگی در تبعید و حاکمیت دوباره استبداد وی را به افسردگی می‌کشاند. در فروردین ۱۲۸۸ گروه سوئیس به استانبول رفتند و به «انجمن سعادت» ایرانیان پیوستند. در استانبول، دهخدا با نشر چهارده یا پانزده شماره از روزنامه سروش از تیر تا آبان‌ماه ۱۲۸۸ فعالیت سیاسی ارزنده دیگری را تجربه کرد. مؤسس و مدیر این روزنامه فارسی زبان، سیدمحمد توفیق و سردبیر آن علی‌اکبر دهخدا و نویسندگان آن معاضدالسلطنه، میرزا یحیی دولت‌آبادی و میرزا حسین دانش اصفهانی بودند. در همان دوره اقامت دهخدا در اروپا دوره دوم روزنامه روح‌القدس با گرایش رادیکال سوسیالیستی احتمالاً در پاریس، منتشر می‌شد که دبیر و نگارنده آن میرزا علی‌اکبرخان دهخدا شناخته شده است.

پس از آزادی تهران به رهبری و جانفشانی انقلابیون چپ و سوسیالیست به ویژه از تبریز و گیلان و مازندران و خلع محمدعلی شاه، در انتخابات دوره دوم مجلس شورای ملی علی‌اکبر دهخدا در حالی که هنوز در استانبول بود، هم

از تهران و هم از کرمان به نمایندگی مجلس برگزیده شد. دهخدا نمایندگی مردم کرمان را پذیرفت. دهخدا در بازگشت به ایران و در ادامه فعالیت سیاسی خود در برابر حزب عامیون به حزب اعتدالیون که ستارخان و باقرخان نیز از آن پشتیبانی می‌کردند پیوست. با آغاز جنگ جهانی اول و ورود نیروهای اشغالگر تزاری از روسیه به شمال ایران و نزدیک شدن آنها به پایتخت و سقوط دولت قاجاری، دهخدا همراه با اعضای کمیته مهاجرت (دفاع ملی در گیراگیر جنگ جهانی نخست و حمله روس‌ها به ایران) ابتدا به قم و سپس به کرمانشاه رفت. سپس به مدت دو سال و نیم به دعوت رهبران مشروطه خواه ایل بختیاری در چهارمحال بختیاری به سر برد و در این برهه بود که تدوین فرهنگ‌نامه‌ای



برای زبان فارسی در اندیشه اش نشست و به جمع‌آوری واژه‌ها پرداخت.

با پایان یابی جنگ جهانی یکم، دهخدا از فعالیت‌های سیاسی کناره گرفت، و در دوران سلطنت رضاشاه به کارهای علمی، ادبی و فرهنگی پرداخت. در سال ۱۳۰۶ دهخدا ریاست مدرسه عالی حقوق و علوم سیاسی را به عهده گرفت. دهخدا، در سال ۱۳۱۴ به عضویت فرهنگستان ایران انتخاب شد. از زمان برپایی دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ ریاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی را تا سال ۱۳۲۰ به عهده داشت و از همین سال با بازنشستگی، به تدوین فرهنگ دهخدا پرداخت.

دهخدا در باور به سوسیالیسم و انقلاب سوسیالیستی، در برهه‌ای سردبیری برخی نشریات مربوط به حزب کمونیست ایران (دهه ۱۹۲۰) را نیز به عهده داشت. برخورداری از محبوبیت و اعتبار و اعتماد، زمزمه انتخاب وی به عنوان نخستین رئیس جمهور ایران در سال ۱۳۰۰ بازتاب یافت. از همین روی بی‌آنکه خود کوچکترین گرایشی به قدرت سیاسی داشته باشید، تا پایان عمر مورد خشم شاه قرار داشت. در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، کودتاچیان به خانه اش هجوم آوردند و تا مرز مرگ او

را زند و از آن پس تا پایان زندگی در دوران سلطنت شاه، بارها مورد بازجویی و توهین قرار گرفت. دهخدا در یکی نوشته‌های خود تکلیف همه را با این بیت روشن ساخت: «بلشویسم است خضر را راه نجات بر محمد و آل محمد صلوات»

علی‌اکبر دهخدا در روز دوشنبه هفتم اسفند ماه ۱۳۳۴ در سن ۷۷ سالگی در حالیکه آخرین قطره‌های جان را در راه فرهنگ سازی هزینه ساخته بود، در خانه‌ی خویش در خیابان ایرانشهر تهران چشم بر هم نهاد. پس از درگذشت دهخدا، خانه‌اش به دبستانی به نام دهخدا تبدیل شد که حکومت اسلامی در کینه و نفرت از اندیشه و نام دهخدا، نام دهخدا را از دبستان برداشت.

از آثار دهخدا می‌توان به «امثال و حکم» در چهار مجلد اشاره کرد؛ و به دو ترجمه از تألیفات مونتسکیو که تاکنون به چاپ نرسیده. همچنین فرهنگ فرانسه به فارسی در بردارنده ی واژه‌های علمی، تاریخی، ادبی، جغرافیایی و طبی است که نشری از آن دیده نشده است. از دیگر نوشتارهای وی «شرح حال ابوریحان بیرونی» و تصحیحاتی بر دیوان‌های شعرای نامی ایران است. طنز دهخدا روشنگرانه، دلسوزانه و سیاسی است و روی به کارگران و تهی‌دستان دارد.

در سال ۱۳۳۲ رادیوی صدای آمریکا برنامه‌ای را به زبان فارسی برای معرفی علی‌اکبر دهخدا ترتیب داده بود که در پاسخ به دعوت آنها، دهخدا اینگونه نوشت: «شرح حال من و امثال مرا در جراید ایران و رادیوهای ایران و بعضی از دول خارجه، مکرر گفته‌اند. اگر به انگلیسی این کار می‌شد، تا حدی مفید بود؛ برای اینکه ممالک متحده آمریکا، مردم ایران را بشناسند. ولی به فارسی، تکرار مکررات خواهد بود، و به عقیده من نتیجه ندارد... اینهاست که شما می‌توانید به ملت خودتان اطلاعات بدهید، تا آنها بدانند در اینجا به طوری که انگلیسی‌ها ایران را معرفی کرده‌اند، یک مشت آدمخوار زندگی نمی‌کنند.» [۱۶]

فرهنگ دهخدا از اواخر دهه ۱۳۰۰ هجری خورشیدی آغاز شد و نخستین مجلد آن در سال ۱۳۱۸ منتشر شد.

دهخدا شعر ازدل برآمده‌ی «یاد آر ز شمع مرده یاد آر» را به یاد رفیق همراش، میرزا جهانگیر شیرازی سرود. در آخرین شماره دوره دوم صور اسرافیل (دوشنبه ۱۷ اسفند ۱۲۸۷ خورشیدی)، دهخدا می‌گوید:

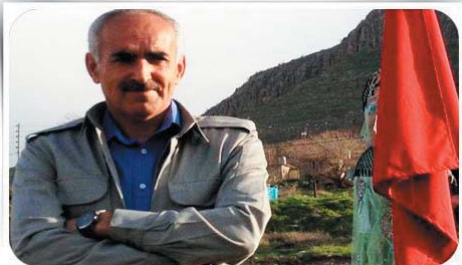
«شبی مرحوم میرزا جهانگیر خان را به خواب دیدم. در جامه سپید (که عاداتاً در تهران در برداشت) و به من گفت: «چرا نگفتی»

JAHAN-E-EMROUZ

JE - P:O:Box 75026 50 26 Uppsala SWEDEN

Editor: **Halmat Ahmadian**

4 August 2017 NO:



اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در مورد جانباختن رفیق رحمان نجات

با کمال تأسف به اطلاع می رساند که ظهر امروز جمعه ۲۳ تیرماه ۱۳۹۶ شمسی برابر با ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۷ میلادی رفیق رحمان نجات عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران و نماینده کومه له در اقلیم کردستان عراق در جریان یک رویداد کاملاً تصادفی جان خود را از دست داد.

این رویداد هنگامی بوقوع پیوست که رفیق رحمان در حال تخلیه کیف دستی خود بود که سلاح کمربندی وی از نوع رولور در آن قرار داشت. در حین این کار ماشه سلاح به یکی از اشیاء داخل کیف گیر می کند، و در نتیجه کشیدن آن شیئی یک تیر شلیک میشود و رفیق رحمان زخمی و بلافاصله به بیمارستان منتقل می گردد. متأسفانه تلاش پزشکان مؤثر واقع نمی شود و بعد از یک ساعت از زمان وقوع حادثه جان خود را از دست می دهد.

رفیق رحمان نجات روز پنجم اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۳ در شهر سقز دیده به جهان گشود. رحمان در سال ۱۳۵۸ و در نوجوانی در شهر سقز با تشکیلات کومه له تماس گرفت و به یکی از فعالین کومه له در میان جوانان و نوجوانان این شهر تبدیل شد. پس از یک دوره فعالیت در تشکیلات مخفی، در سال ۱۳۶۲ به صفوف نیروی پیشمرگ کومه له پیوست. وی به دلیل شور انقلابی و توانائی و کاردانی، بسیار زود به چهره شاخصی در صفوف کومه له تبدیل شد. با تشکیل حزب کمونیست ایران به عضویت حزب در آمد و فعالیت خود را در بخشهای مختلف تشکیلات کومه له در ناحیه سقز ادامه داد.

عضویت در دوره های مختلف کمیته مرکزی کومه له و کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران و همچنین عضویت در کمیته تشکیلات خارج از کشور حزب از جمله عرصه های فعالیت رفیق رحمان نجات بود. بدون شک از دست دادن رفیق رحمان خسارت بزرگی است برای حزب ما و برای کومه له تشکیلات کردستان حزب که رفیق رحمان از فعالین آن بود.

رفیق رحمان که از چهره های شناخته شده صفوف کومه له و حزب کمونیست ایران بود زندگی اش را وقف مبارزه در راه رهایی کارگران و مردم زحمتکش کرد. کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران جانباختن رفیق رحمان نجات را به فرزند وی آرام و همسر و همزمش مینو، به همه اعضای خانواده وی و همه صفوف حزب کمونیست ایران و کومه له صمیمانه تسلیت میگوید.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

۲۳ تیرماه ۱۳۹۶

۱۴ ژوئیه ۲۰۱۷

او جوان افتاد؟». من از این عبارت چنین فهمیدم که می گوید: «چرا مرگ مرا در جایی نگفته یا نوشته ای؟» و بلافاصله در خواب این جمله به خاطر من آمد: یاد آر ز شمع مرده یاد آر! در این حال بیدار شدم و تا نزدیک صبح سه قطعه از مسقط ذیل را ساختم و فردا گفته های شب را تصحیح کرده و دو قطعه دیگر به آن افزودم...»

یاد آر ز شمع مرده یاد آر
ای مرغ سحر! چو این شب تار
بگذاشت ز سر سیاهکاری،
وز نفعه ی روح بخش اسحار
رفت از سر خفتگان خماری،
بگشود گره ز زلف زرتار
محبوبه ی نیلگون عماری،
یزدان به کمال شد پدیدار
و اهریمن زشتخو حصاری،
یاد آر ز شمع مرده یاد آر

بخشی از کارهای نوشتاری دهخدا:

فرهنگ دهخدا ۱۵ مجلد در برگزیده های شرح و معنی واژگان آثار ادبی و تاریخی زبان فارسی می باشد که معانی فارسی، تفاسیر و شروح تاریخی بسیاری از واژه های عربی، امثال و حکم، چرند و پرند (مجموعه مقالات)، فرهنگ فرانسه به زبان فارسی، ابوریحان بیرونی، تعلیقات بر دیوان ناصر خسرو، پندها و کلمات قصار، دیوان شعر، تصحیح دیوان منوچهری، تصحیح دیوان حافظ، تصحیح دیوان سید حسن غزنوی، تصحیح دیوان مسعود سعد، تصحیح دیوان سوزنی سمرقندی، تصحیح دیوان فرخی سیستانی، تصحیح دیوان ابن یمن، تصحیح لغت فرس اسدی، تصحیح صحاح الفرس، تصحیح یوسف و زلیخا، ترجمه روح القوانین مونتسکیو (منتشر نشده)، ترجمه عظمت و انحطاط رومیان، برهان قاطع برگزیده و شرح آثار دهخدا بررسی لغت نامه ...

نماینده گی کومه له در خارج کشور

K.K. P.O.Box75026
750 26 Uppsala - Sweden
Fax: 004686030981
representation@komalah.org
Tel: 0046 8 6030981

کمیته خارج کشور

0046-707 254 016
kkh@cpiran.org

دبیرخانه حزب کمونیست ایران

C.D.C.R.I. Box 2018
127 02 Skärholmen
SWEDEN
dabirxane.cpi@gmail.com

آدرس های حزب
کمونیست ایران و
کومه له